




## The Nature of the System of Domination in the Epistemic Architecture of Ayatollah Khamenei

Saeed Ghorbani

Assistant Professor of Human Sciences and Cultural Studies Research Institute, Tehran, Iran.  
saeed67110@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

### Abstract

The international system is depicted, on the basis of the intellectual and behavioral foundations of the system of domination, as structured around two axes: the dominator and the dominated. The concept of domination seeks to appropriate the resources, interests, cultural identity, political structures, and other vital dimensions of dominated systems in accordance with its own intellectual premises, extracting maximum concessions from subordinated entities. This research, employing thematic analysis and drawing upon the statements of Ayatollah Khamenei, aims to uncover, extract, and analyze the essential nature and constitutive components of the system of domination. The central question is: What are the components shaping the nature of the system of domination within Ayatollah Khamenei's epistemic framework? The findings indicate that, according to his perspective, the system of domination—rooted in an inherent spirit of arrogance—is characterized by materialism and the marginalization of spirituality, division and fragmentation, exploitation, expansionism, breach of commitments, injustice, impiety, and similar traits. The conclusion drawn is that the system of domination constitutes a totalizing and unilateral order that defines all existing interests in the universe according to its own benefit and implicitly claims a proprietary right over them. The constitutive components of the system of domination are structured around this core principle.

**Keywords:** Ayatollah Khamenei; System of domination; Colonialism; Intellectual architecture; Dominator; Dominated.





مقاله پژوهشی

## ماهیت نظام سلطه در هندسه معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای

سعید قربانی تازه کندی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، تهران.

saeed67110@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

چکیده:

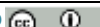
نظام بین‌الملل بر اساس مبانی فکری و رفتاری نظام سلطه در قالب دو محور سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ترسیم شده است. مقوله سلطه درصدد است منابع، منافع و هویت فرهنگی، سیاسی و دیگر رگه‌های حیاتی نظام‌های سلطه‌پذیر را بر اساس خواسته‌ها و درون‌مایه‌های فکری خود به نفع خود به کار گرفته و حداکثر امتیازات را از هدف‌های تحت سلطه دریافت کند. در این پژوهش، نویسنده در پی آن است با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون با استناد بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ماهیت و مؤلفه‌های شکل‌دهنده درون‌مایه‌ی نظام سلطه را کشف، استخراج و مورد تحلیل قرار دهد. سؤال اصلی این‌که مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی ماهیت نظام سلطه در هندسه معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟ یافته‌های پژوهش اینکه نظام سلطه با توجه به روحیه‌ی استکباری نهفته در آن بنا بر نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای با مؤلفه‌هایی چون مادی‌گرایی و انزوای معنویت، اختلاف و تفرقه، استعمار، افزون‌طلبی، بدعهدی، بی‌عدالتی، بی‌تقوایی و امثال آن توأمان شده است. نتیجه این‌که نظام سلطه نظامی تمامیت‌خواه و یک‌جانبه‌نگر است که تمامی منافع موجود در عالم هستی را در راستای منافع خود تعریف کرده است و به‌نوعی حق مالکیت برای خود قائل است و مؤلفه‌های متشکله نظام سلطه نیز بر اساس این مؤلفه‌ی اصلی شکل یافته است.

**واژگان اصلی:** آیت‌الله خامنه‌ای، نظام سلطه، استعمار، هندسه فکری، سلطه‌گر، سلطه‌پذیر.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسنده‌گان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

## بیان مسئله

خداوند موجودات را به صورت‌های مختلف آفریده و افراد هر صنف را نیز ویژگی‌های فردی در خلقت عطا کرده است ولی باید توجه داشت که هیچ‌چیز جز خدا شرافت و کرامت ذاتی، نفسی و استقلال‌ی ندارد و هر موجودی هرچه دارد از عنایت و فضل پروردگار است پس باید از انتساب کرامت‌های ظاهری به ذات خود پرهیز کرد و گرفتار توهم خودبرتربینی نشد (باهوش فاردقی، ۱۴۰۲: ۱۱۷) که خودبینی سرآغاز شکل‌گیری استکبار است. نظام سلطه در ارتباط با ملت‌ها و دولت‌های دیگر خود را برتر تلقی کرده است، لذا برای خود حق و حقوقی را تعریف کرده که طرف‌های مقابل ملزم به رعایت آن هستند و هر نوع تخطی از اصول آن سبب مجازات است که این قضیه در دنیا کاملاً مشهود است.

غرب از بدو ظهور تا عصر کنونی مدعی بوده که انسان برتر و به تبع آن تمدن برتر از آن‌هاست. در نتیجه دول غربی در طول تاریخ سعی کرده‌اند این برتری خود را به اثبات برسانند و همچنین هم‌زمان نیز سعی و تلاش کرده این برتری را حفظ کنند. غرب بعد از جنگ جهانی اول و نابودی خلافت عثمانی و به ویژه بعد از نابودی بلوک شرق و نابودی کمونیست در شوروی، بر پایان تاریخ یا گام‌های نهایی برای رسیدن به پایان تاریخ تأکید ورزید و نظریه‌پردازی کرد و آخر تاریخ را نظام لیبرال دموکراسی و انسان کامل را انسان غربی نامید. زمانی که به نظریه‌هایی که غربی‌ها در مورد پایان تاریخ ارائه داده‌اند با دقت تأمل کنیم، متوجه می‌شویم اصل نظریه‌پردازی غربی‌ها یک نوع دکترین برای حفظ و غلبه دادن اندیشه‌های خود بر سطح جهان است. غرب با نظریه‌پردازی‌های مختلف، اولاً درصدد تحمیل افکار خود به جهان و در ثانی درصدد خنثی‌سازی اندیشه‌های دیگر است و می‌اندیشد که چگونه باید تمدن‌های دیگر به‌خصوص تمدن‌های برتر از جمله اسلام را از صحنه روزگار حذف کند (کرمانی نسب، ۱۳۹۸: ۴۷). برای نظام سلطه با توجه به ماهیت آن، اصول و مؤلفه‌هایی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تعریف شده است که در این مقاله مدنظر است. در این پژوهش نگارنده به دنبال آن است با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون به این شیوه که در ابتدای امر مضامین پایه از متن اصلی که شامل آیت‌الله

خامنه‌ای است استخراج گردد و در مرحله‌ی بعدی مضامین فراگیر از مضامین پایه کشف شود و در ادامه مضامین سازمان دهنده از مضامین فراگیر به دست آید و سرانجام نیز شبکه‌ی مضامین بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مؤلفه‌های نظام سلطه ترسیم شده و تشریح شود. به لحاظ تقسیم‌بندی درون‌متنی نیز تلاش خواهد شد از الگوی چهاروجهی بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره گرفته شود.

### چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم‌شناسی کلیدواژه‌ها، نقش اساسی در فهم و آگاهی نسبت به متن دارد و زمینه‌های فهم متن برای خواننده سهل‌تر خواهد بود، بر این اساس شایسته است قبل از ورود به متن اصلی و تجزیه و تحلیل آن، مفاهیم مرتبط، تعریف و توصیف شوند و از دل تشریح مفاهیم، به کلیت متن به‌منظور واکاوی رجوع شود.

### الف. سلطه

سلطه عبارت است از وضعی که ارباب یا حاکم، اطاعتی را که اصولاً دیگران در برابر او بدان موظف‌اند، به دست می‌آورد. در بیانی کلی، سلطه برخاسته از مفاهیم قدرت است؛ به این دلیل که ساختار قدرت در قالب سلطه‌گر و تحت سلطه تبلور و عینیت می‌یابد. سلطه توأم با فرمان دادن و پذیرش فرمان، از مشروعیت ویژه برخوردار است. سلطه در واقع مستلزم اعمال قدرت از طریق مجموعه روابط پیچیده اجتماعی است که دربرگیرنده نظارت اجتماعی، قواعد و الزامات درونی شده است تا مورد قبول افراد و گروه‌ها قرار گیرد. باین‌حال آنچه در معنای سلطه مورد اهمال واقع شده و در نظم شکل گرفته بین‌المللی نیز به وجود آمده، بُعد تحمیلی آن است؛ بدین معنا که سلطه، مفهومی رابطه‌مند است که از سلطه‌گر به سلطه‌پذیر تحمیل می‌شود. در اینجا رابطه به‌صورت دوسویه نیست، بلکه تک‌سویه و از بالا به پایین است (شفیعی فر و رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۴). در فرهنگ سیاسی به معنای استعمار و در زبان قرآنی به معنای استکبار به کار می‌رود و در اصطلاح عبارت از تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر روی کشورهای دیگر است. هرچند که در حقوق بین‌الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها و این حقوق مبتنی بر

احترام متقابل و عدم‌مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است؛ اما واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، حکایت از وجود قدرت‌های امپریالیستی و سلطه‌های گوناگون می‌کند که به صورت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی ظاهر می‌شوند (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۴۲). آن‌ها از ابزارهای گوناگون نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای تأثیر بر دیگران استفاده می‌کنند (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). با عنایت بر اینکه در این پژوهش بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون نظام سلطه و سلطه‌گر پرداخته خواهد شد در بخش مفهوم شناسی تلاش بر این است که مفهوم سلطه از نگاه ایشان مورد واکاوی قرار گیرد. در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان تفسیرگر فضای حاکم بر نظام بین‌الملل، دنیا بر اساس دو محور تقسیم‌شده است که شامل نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است و نظام سلطه غیر از این تقسیم‌بندی را برنمی‌تابد. آنچه برای نظام سلطه اهمیت دارد تبعیت کشورهای تحت سلطه و تأمین خواسته‌های آن‌هاست. بر این اساس، ایشان نظام سلطه را به این صورت تعریف می‌کنند: «نظام سلطه یعنی نظام جباران، نظامی که در رأس اداره‌ی آن جبارانند و دنیا را تقسیم می‌کنند به دو قسمت؛ یک قسمت سلطه‌گران‌اند، یک قسمت سلطه‌پذیران‌اند و سومی [وجود] ندارد، مستقل وجود ندارد؛ این نظام سلطه است»- (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۹/۶) از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نظام سلطه برای کشورهای تحت سلطه جایگاهی قائل نیست و از منظر نظام سلطه تنها مقوله‌ای درست است که در راستای اهداف سلطه تعریف شود. «اساساً ضد آزادی و عدالت است؛ هم ضد آزادی است، هم ضد عدالت است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۹/۶).

### ب. استکبار

این لغت از ریشه کبر و به معنای برتری‌خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر است (باهش فاردقی، ۱۴۰۲: ۱۱۶) در تعریف لغوی، استکبار به معنای بزرگ دیدن کسی یا چیزی، بزرگی نمودن، از خود بزرگ‌منشی کردن و تکبر ورزیدن است. این واژه از ریشه کبر و از باب نفع است که در زبان عربی به کسی یا چیزی اطلاق می‌گردد که فاقد صفتی است؛ ولی خود را به آن متصف می‌کند؛ بنابراین تکبر را خودبزرگ‌بینی و غرور معنا می‌کنند. از این رو استکبار برای مبالغه در تکبر و خودبزرگ‌بینی به کار می‌رود

(اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۹) استکبار معنای عام دارد که عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان که امروز قله‌ی طغیان سلطه‌گری و استکبارگری ایالات متحده آمریکا است بنابراین مبارزه با استکبار در زمان حاضر مبارزه با خواسته‌های دولت امریکا است (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۰). در فرهنگ قرآنی و اسلامی بنا بر تعریف آیت‌الله خامنه‌ای، استکبار به مجموعه قدرتی اشاره دارد که با توسل بر قدرت در ابعاد مختلف آن، ملت‌ها و دولت‌های ضعیف را به تسخیر خود درمی‌آورد و بنا بر نفسانیات خود، داشته‌های کشورها و ملت‌ها را بر اساس منویات خود به کار می‌گیرد. «در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آن‌ها دخالت و به ثروت آن‌ها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان، اهانت روا می‌دارد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۶/۹/۱۸).

### ج. استعمار

استعمار از باب استفعال و در لغت به معنای تقاضای آباد کردن یا طلب آبادانی است؛ اما در فرهنگ اصطلاحات سیاسی به مفهوم حاکمیت کشوری قدرتمند بر کشوری ضعیف، با هدف چپاول منابع و معادن و استثمار نیروی انسانی و تثبیت و تسلط سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بر آن ملت، با تظاهر به آبادسازی و ایجاد توسعه و پیشرفت است. اصطلاح «استعمار» اشاره دارد به حالت زیردستی یا بندگی اجتماع، کشور یا ملتی که از لحاظ سیاسی، یا اقتصادی و یا فرهنگی زیر سلطه اجتماعی یا ملت پیشرفته‌ای است (عالمی، ۱۴۰۱: ۴۰)؛ لکن واقعیت پدیده استعمار با معنای لغوی آن متفاوت است و در عمل به معنای تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند بر جوامع و سرزمین‌های دیگر به‌منظور استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها درآمد؛ بنابراین استعمار از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت‌های خارجی یا بر سرزمین دیگر است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱). یکی از کلیدواژه‌هایی که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شده است، مفهوم استعمار

است. این اصطلاح در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به معنای تعدی قدرت‌های سلطه‌گر بر منابع و نیروی انسانی و موجودیت کشورهای هدف است. «استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۶/۵). آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف استعمار و کشورهای استعمارگر به هدف باطنی آن‌ها از این رویکرد اشاره کرده است و آن را به‌نوعی چپاول داشته‌های کشورهای سلطه‌پذیر تبیین کرده‌اند. «استعمار یعنی نوسازی. انگلیس‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و امریکای لاتین رفتند بومی‌ها را قتل‌عام کردند، سرزمین‌ها را تصرف کردند، دزدی کردند، خیانت کردند، هزار فاجعه به وجود آوردند؛ زیر نام نوسازی، پیشرفت، استعمار» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۲/۲۵).

### پیشینه پژوهش

به لحاظ سوابق پژوهشی، با مطالعاتی که در منابع مختلف انجام شد، پیرامون موضوع ماهیت و مؤلفه‌های شکل‌گیری نظام سلطه در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای صرفاً چند مورد مقاله نوشته شده است که آن هم به‌صورت محدود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، شمایی کلی از عنوان را به تصویر کشیده است که در این بخش از مقاله، از باب نمونه مواردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجید صفاتاج (۱۳۹۴) در کتاب «نظام سلطه؛ اصول، مبانی، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها» کلیاتی از مبانی و اصول نظام سلطه را به‌صورت خیلی اجمالی مورد بررسی قرار داده است. روح‌الله داوری و امیر سیاهپوش (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تناظر محتوایی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای و قرآن کریم» به تحلیل اصل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در قرآن کریم و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و به مواردی چون رابطه متقابل ظلم و عدل علت مبارزه با نظام سلطه و راه برون‌رفت از نظام سلطه توجه شده است. در این نوشتار از روش تحلیل محتوی استفاده شده است. احمدرضا حبیبی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی الگوی سیاسی نفوذ نظام سلطه در جمهوری اسلامی ایران» از میان زمینه‌های نفوذ نظام سلطه در جمهوری اسلامی ایران صرفاً به بعد سیاسی توجه کرده

است و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به مواردی مانند دموکراسی‌سازی، جنگ ایده‌ها، جنگ اراده‌ها، مبارزه بی‌خسونت و امثال آن پرداخته است. مجید عباسی (۱۴۰۲) در مقاله «تعارض‌های عملی نظام سلطه با شعارهای غربی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» صرفاً به تضادهای رفتاری و گفتاری نظام سلطه بر اساس نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است.

به لحاظ وجهی نوآوری، در این پژوهش، نویسنده به دنبال آن است که ماهیت و مؤلفه‌های شکل‌دهنده نظام سلطه را در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار دهد و با توجه به آثار علمی که در پیشینه به عمل آمد در این زمینه کار پژوهشی منسجمی انجام نشده است. البته از یافته‌های دیگر پژوهشگران در تألیف این اثر استفاده شده است.

### روش‌شناسی پژوهش: روش تحلیل مضمون

یکی از روش‌های تحلیلی در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است که به‌ندرت معرفی شده است. در سال‌های اخیر شناخت رو به رشدی در مورد ارزش تحقیقات کیفی در پایگاه داده‌ها، به‌منظور تسهیل مؤثر و مناسب سیاست و عمل شکل گرفته است. در پاسخ به این امر، روش‌های کیفی روزبه‌روز در حال گسترش هستند. تحلیل مضمون روشی است که عموماً جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (بخت‌آزمای و منتظر خراسان، ۱۳۹۶: ۲۸). این روش، داده‌ها را سازمان‌دهی و با جزئیات توصیف می‌کند لکن می‌تواند از این فراتر رفته و ابعاد گوناگون موضوع تحقیق را تفسیر کند (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). تحلیل مضمون، روشی جهت شناختن، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. روش مذکور، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون فقط روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه روندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. به‌صورت کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک و فهم مناسب از اطلاعات و یافته‌های علی‌الظاهر بدون ارتباط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند فرد، تعامل، گروه، سازمان، موقعیت و

فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی هم بهره برد. روش مذکور از شمارش کلمات و عبارات ظاهری، فراتر می‌رود و جهت شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی متمرکز می‌گردد. سپس، از کدهای مضامین اصلی جهت تحلیل عمیق داده‌ها بهره‌برداری می‌شود. از فراوانی نسبی مضامین جهت تطبیق و مقایسه آن‌ها و ایجاد ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین در تحلیل مضمون استفاده کرد. تحلیل مضمون، روشی است که برای بیان واقعیت و همچنین برای تبیین آن کاربرد دارد. البته لازم است به سبب ماهیت تفسیری روش تحلیل مضمون، به روایی و پایایی آن توجه زیادی شود و به همین سبب روش مذکور در قیاس با روش‌های کیفی دیگر، زمان و دقت بیشتری نیاز دارد. اگرچه انعطاف‌پذیری، مزیت تحلیل مضمون است لکن می‌تواند دارای عیب باشد؛ زیرا راهنمایی‌های خاصی جهت تحلیل‌های سطح بالاتر نمی‌دهد؛ از این جهت محقق اغلب به‌ناچار خودش تصمیم می‌گیرد که به چیزی در داده‌ها متمرکز شود. عیب دیگر تحلیل مضمون در قیاس با روش‌های تحلیل کیفی دیگر این است که برخلاف روش‌های شرح‌حال‌نویسی یا تحلیل روایت، محقق حالت استمرار و تناقض موجود میان داده‌ها را نمی‌تواند حفظ کند و این ناهمخوانی‌ها و تناقض‌های میان داده‌ها ممکن است که نشان داده شود. لذا، برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوای، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد تا درباره زبان به کار گرفته‌شده در متن، ادعاهایی داشته باشد. تحلیل مضمون به روش‌های مختلفی قابل‌استفاده و اجرا است (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۳)

## پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون

### ۱. مراحل روش تحلیل مضمون

بر اساس توضیحاتی که در قسمت روش‌شناسی در ابتدای مقاله ارائه شد؛ در این قسمت تلاش این است که بر اساس سه رویکرد متن، مضامین پایه و فراگیر، مبحث ماهیت نظام سلطه در هندسه فکری آیت‌الله خامنه‌ای تبیین شود:

### ۱.۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

برای شروع کار تحلیل مضامین در اندیشه متفکران لازم است مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به آیت‌الله خامنه‌ای مربوط به ماهیت نظام سلطه استخراج می‌شود. این مضامین در کدهایی سازمان‌دهی می‌شوند که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضامین برای شکل‌گیری مضامین فراگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضامین عام به‌خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضامین فراگیر فراهم نمی‌شود. نقل قول‌های استخراج‌شده از متن آثار متفکران موردنظر، مطالبی را مستقیماً به ذهن متبادر می‌کند که با استخراج مضامین این نقل قول‌ها، بسترهای ورد به مرحله دوم فراهم می‌شود.

### ۱.۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضامین استخراج‌شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه برای ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که فرصت دستیابی به مضامین اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضامین مرحله اول است و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

### ۱.۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به ماهیت نظام سلطه در هندسه معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج‌شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به‌صورت تحلیلی ارائه می‌شود و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.

## ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، مضامین پایه و کدهای ابتدایی مربوط به ماهیت نظام سلطه در هندسه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در جدول ارائه می‌شود تا بسترهای استخراج مضمون‌های فراگیر در مرحله بعد فراهم شود.

جدول ۱: تحویل متن و استخراج مضامین پایه ماهیت نظام سلطه در هندسه فکری آیت‌الله

## خامنه‌ای

ردیف	متن	مضامین پایه
۱	غارت کشورهای ضعیف؛ ابتدال اخلاقی. ابتدال اخلاقی و هرج و مرج اخلاقی به شدت [وجود دارد]. مسئله‌ی هم‌جنس‌گرایی و امثال این‌ها - که دیگر واقعاً شرم‌آور است که آدم از تکرار کردنش و گفتنش هم شرم می‌کند- هرج و مرج عجیب جنسی؛ این‌ها امروز در دنیا وجود دارد. این‌ها همان چیزهایی است که آن روز بود، امروز هم همان‌ها هست؛ منتها آن روز محدود بود، امروز گسترده است، سازماندهی شده است. پشت خیلی از این فسادها و مفاسد، منطوق‌های مصنوعی درست‌شده، یعنی پشتوانه‌های منطقی و فکری برایش درست کرده‌اند، مبنای فکری برایش درست می‌کنند و به بشریت ارائه می‌کنند.	شدت ابتدال اخلاقی در تمدن غربی
		گسترده‌گی فساد اخلاقی در دوران معاصر
		سازمان‌دهی و تشکیلاتی کردن فساد اخلاقی
		تأسیس مبانی ساختگی برای مفاسد اخلاقی و ارائه برای ملت‌ها
۲	الگوی اقتدار در نظام‌های مادی که امروز بر دنیا حاکم است، با الگوی اقتدار در نظام اسلامی متفاوت است. در نظام‌های مادی، اقتدار، متکی به پایه‌های قدرت مادی است به پول، به سلاح، به تبلیغات فریبکارانه و هر جا لازم شود، مزورانه و منافقانه	تفاوت ریشه‌ای الگوی اقتدار در نظام اسلامی و غیر اسلامی
		نظام‌های مادی بر پایه‌ی قدرت صرفاً مادی تکیه دارد.
		پول و سلاح و تبلیغات تنها اتکای نظام‌های مادی
		مادی‌گرایی صرف تنها اتکای

ردیف	متن	مضامین پایه
		نظام‌های غیر اسلامی است.
۳	ارزش‌های غربی که در کشورهای آنان به فروپاشی اخلاقی و رواج شهوت‌رانی و خشونت و قانونی کردن همجنسبازی و فضاحت‌های دیگری از این قبیل انجامیده، قابل تقلید نیست.	در نظام غربی ارزش‌های اخلاقی سقوط کرده است.
		ارزش‌های غربی قابل تقلید نیست.
		مبانی اخلاقی غرب ریشه در رذایل اخلاقی دارد.
۴	دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند. بعد از آن سعی کردند با تهاجم یک همسایه‌ی دیوانه - صدام به معنای واقعی کلمه، یک انسان وحشی و دیوانه و افسارگسیخته و خطرناک بود - امنیت کشور را به هم بریزند؛ از داخل هم گروهک‌ها کمکش کردند؛ همان گروهک‌هایی که بعد هم به دامان خود او پناه بردند.	ایجاد تفرقه و اختلاف در ذات نظام‌های سلطه ریشه دارد.
۵	ادعای حقوق بشر زیاد مطرح می‌شود؛ اما صادقانه و واقعی نیست. امروز دولت‌هایی ادعای طرفداری از حقوق بشر را می‌کنند که بزرگ‌ترین اهانت‌ها را به بشر کرده‌اند! رژیم‌هایی داعیه‌ی آزادی بیان و فکر را در دنیا بلند کرده‌اند که بزرگ‌ترین اختناق‌ها و استبدادهای عالم، از آثار وجود شوم آن‌هاست. چه دولت‌هایی از اختناق چند ده‌ساله‌ی رژیم پهلوی در ایران حمایت می‌کردند؟ آیا غیر از امریکا و انگلیس، دولت‌هایی مطرح بودند؟ آن وقت این دو کشور ادعا	ادعای حقوق بشر نظام سلطه واهی و غیرواقعی است
		دولت‌های حامی حقوق بشر خود تروریسم هستند.
		آزادی بیان و تفکر غیرحقیقی است.
		نیل به اهداف با توهم آزادی بیان و تفکر

ردیف	متن	مضامین پایه
	می‌کنند که طرفدار حقوق بشر و آزادی بیان‌اند.	
۶	یک نمونه‌اش [اینکه] در حدود یک قرن پیش، مثلاً بحث آزادی زن و استقلال مالی زن را مطرح کردند که زن استقلال مالی داشته باشد یا آزادی داشته باشد؛ ظاهر خوبی داشت اما باطنش چه بود؟ باطنش این بود که کارخانجاتشان احتیاج به کارگر داشت، کارگر مرد کافی نبود، می‌خواستند زن‌ها را برای کارگری بیاورند، آن‌هم با دستمزد کمتر از مردان؛ این باطن قضیه بود. این بیشتر در اروپا و در مجموعه‌های غربی شکل گرفت؛ این فقط مخصوص آمریکا هم نبود. این را در زیر یک ظاهر و یک پوشش انسان‌دوستانه‌ای پنهان کردند، به‌عنوان اینکه زن استقلال مالی داشته باشد، آزادی داشته باشد، بتواند از خانه بیرون بیاید، بتواند کار کند؛ یعنی این بی‌صدافتی را آنجا هم بشریت دید.	عدم تناسب ظاهر و باطن اهداف نظام‌های سلطه استفاده ابزاری از جنسیت زن اهداف به‌ظاهر پسندیده با باطن استثمار
۸	قربانی... افزون‌طلبی و استکبار، ملت‌های مظلومی هستند که نتوانند از هویت و قدرت معنوی خودشان دفاع کنند. شما ببینید در این چند سال، در همسایگی ما با ملت‌های عراق و افغانستان چگونه عمل شد! چه کسانی قربانی سیاست‌های پیچیده بین‌المللی شدند، جز آحاد مردم غیر مسلح و بی‌پناه؟	هویت و منابع قدرت‌های ضعیف در زیر چکمه‌های نظام‌های سلطه سیاست‌های پیچیده و غیرانسانی نظام سلطه زیاده‌خواهی نظام سلطه در مقابل نظام‌های ضعیف
۱۱	یکی از ارزش‌های آمریکائی که همی رویش سروصدا می‌کردند، این است دیگر - پرچم حقوق بشر را این‌ها در دست گرفته‌اند؛ اما بدترین کارهای ضد حقوق بشری دارد زیر چتر حمایت آمریکا اتفاق	حمایت نظام سلطه از ناقض‌ترین رفتارهای ضد بشری پوشش حقوق بشر برای نیل به اهداف استعماری و استثمار

ردیف	متن	مضامین پایه
	می‌افتد و این‌ها نه فقط مقابله نمی‌کنند، بلکه حمایت می‌کنند! شصت و پنج سال است که حقوق ملت فلسطین دارد به‌طور علنی و آشکار به‌وسیله‌ی این بی‌عارها و الواط‌های صهیونیست در فلسطین اشغالی پامال می‌شود؛ آمریکائی‌ها حتی اخم هم نمی‌کنند، بلکه حمایت هم می‌کنند، کمک هم می‌کنند.	حمایت از حامیان و طرفداران با زیر پا گذاشتن مقوله حقوق بشر
۱۶	استکبار و قدرت‌های مستکبر طبیعتشان دست‌اندازی است؛ چه در دوران استعمار که مربوط به قرن هجدهم و نوزدهم و ادامه‌اش تا قرن بیستم است، چه به شکل‌های جدیدتر و مدرن‌تری که بعدها تأسیس کردند و الآن دارند مدام روزبه‌روز، نوبه‌نو وارد میدان می‌کنند. هدفشان دست‌اندازی است؛ دست‌اندازی به منافع ملت‌ها، به کشورها و سلطه و نفوذ.	نادیده انگاری حقوق ملت‌ها از مؤلفه‌های نظام سلطه است.
		حق مداخله قائل شدن نظام سلطه برای استثمار منابع نظام‌های ضعیف و تابع
		دست‌اندازی و سوءاستفاده از منابع کشورهای ضعیف
۱۷	نام آزادی بر آنچه که جهت‌گیری فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این، آزادی نیست.	آزادی نام‌گرفته در نظام سلطه، آزادی حقیقی نیست.
		جهت‌گیری فرهنگی غرب متضاد با مفهوم آزادی است.
۱۹	با نشستن و مذاکره کردن و از آمریکا تعهد گرفتن مشکل حل می‌شود؟ [اینکه] بنشینیم با آمریکا مذاکره کنیم، تعهد بگیریم که شما باید فلان کارها را بکنید، فلان کارها را نکنید، مشکل حل می‌شود؟ در	نظام سلطه متعهد و مقید بر قراردادها نیست.
		منافع نظام سلطه مقدم بر تمام عقود است.

مضامین پایه	متن	ردیف
<p>بدعهدی و نقض قراردادها جزو ماهیت ذاتی نظام سلطه است.</p>	<p>قضیه‌ی بیانیه‌ی الجزایر، سر قضیه‌ی آزادی گروگان‌ها در سال ۶۰، شما نشستید با آمریکا صحبت کردید. بنده آن وقت نماینده‌ی مجلس بودم — البته در مجلس نبودم، در جبهه بودم، اهواز بودم — همان وقت اینجا در تهران همین حضرات نشستند به واسطه‌ی الجزایر و بدون رودرویی با آمریکایی‌ها صحبت کردند — البته مصوبه‌ی مجلس بود، کار غیرقانونی‌ای نبود — قرارداد گذاشتند، تعهدهای متعددی گرفتند که ثروت‌های ما را آزاد کنید، تحریم‌های ما را بردارید، در امور داخلی کشور ما دخالت نکنید و ما هم از این طرف گروگان‌ها را آزاد می‌کنیم. گروگان‌ها را آزاد کردیم، آیا آمریکا به آن تعهدات عمل کرد؟ آیا آمریکا تحریم را برداشت؟ آیا آمریکا ثروت‌های مسدود شده‌ی ما را به ما پس داد؟ نه، آمریکا به تعهد عمل نمی‌کند؛ خیلی خوب، این هم مذاکره و نشستن با آمریکا. یا در برجام؛ گفتند که [اگر] شما فعالیت صنعتی هسته‌ای را کم کنید — حالا جرئت نکردند بگویند تعطیل تعطیل — به این مقدار فروگاهی کنید، ما این کارها را انجام می‌دهیم؛ تحریم‌ها را برمی‌داریم، این کار را می‌کنیم، آن کار را می‌کنیم؛ کردند این کارها را؟ نکردند دیگر. مذاکره مشکل ما را با آمریکا حل نمی‌کند.</p>	
<p>نظام سلطه بر پایه‌ی استعمار و خشونت و شرارت پایه‌ریزی شده است.</p>	<p>ماها می‌گفتیم، منتقدین تمدن غربی بارها تکرار می‌کردند، می‌گفتند که این تمدن بر پایه‌ی شرارت بناشده، بر پایه‌ی جدایی و عناد با معنویت و فضایل</p>	۲۰
<p>ماحصل تمدن غربی، خشونت و عدول از ماهیت انسانی است.</p>	<p>معنوی و ارزش‌های معنوی بناشده است؛ از آن انتظار خیر نمی‌شود داشت؛ این را همه می‌گفتند، اما</p>	

ردیف	متن	مضامین پایه
	<p>در حوادث این شش ماه گذشته در مسئله‌ی غزه و فلسطین، خود دولت‌های غربی این ذات شریر را در مقابل چشم همه‌ی دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است؛ کودک می‌کشند در آغوش مادر، بیمار می‌کشند در بیمارستان؛ زورشان به مقاومت و مردان مقاومت نمی‌رسد، می‌افتند به جان خانواده‌ها، به جان کودکان و مظلومان، به جان پیرمردها؛ سی و چند هزار انسان بی‌دفاع را در این شش ماه، این‌ها به قتل رساندند. کجا هستند آن کسانی که آهنگ ناهنجارشان درباره‌ی حقوق بشر گوش دنیا را کر می‌کند؟ کجایند؟ چرا اینجا را نمی‌بینند؟ این‌ها بشر نیستند؟ این‌ها حقوق ندارند؟</p>	<p>شعارهای حقوق بشر و گوش‌نواز دیگر صرفاً پوششی برای شرارت‌هاست.</p>
۲۴	<p>در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپاولگران عالم، هیچ انسانی نیست که به عدالت اجتماعی و شعار آن پشت کند.</p>	<p>نظام سلطه به دلیل ماهیت زیاده‌خواهانه، مخالف عدالت اجتماعی است.</p>
		<p>بی‌عدالتی در ماهیت نظام سلطه ریشه دارد.</p>
۲۶	<p>امروز بزرگ‌ترین مایه‌ی تهدید در دنیا رژیم آمریکا است که بدون هیچ مهارتی، بدون هیچ پایبندی وجدانی و دینی‌ای، در هر کجایی که لازم بداند دخالت‌های بی‌وجه می‌کند و دخالت‌های ناامن‌کننده از او سر می‌زنند؛ آمریکا دنیا را ناامن کرده است.</p>	<p>بزرگ‌ترین عامل ناامنی در دنیا نظام سلطه است.</p>
		<p>تأمین منافع نظام سلطه با ایجاد ناامنی در نظام بین‌الملل دخالت در امور دولت‌های دیگر و ایجاد بسترهای ناامنی</p>
۳۰	<p>تجربه‌های سی‌ساله‌ی ما، ملت را آگاه کرده است. این‌ها می‌دانند. این‌ها همان دولت‌ها و حکومت‌هایی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه‌ها ویران شد، بمب‌های شیمیایی زدند، انسان‌های</p>	<p>تخریب و ویرانی در وجود نظام سلطه نهادینه شده است.</p> <p>فقدان دلسوزی و محبت و اهمیت جان انسان‌ها برای نظام سلطه</p>

ردیف	متن	مضامین پایه
	بی‌گناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده‌اند. این‌ها که فراموش شدنی نیست.	
۳۲	مسائل کوچک را نباید بزرگ کرد. نباید القاء بحران کرد. سعی می‌کنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟ کشور آرام، ملت قوی، بانشاط؛ این همه کار از سوی دستگاه‌های گوناگون، از سوی آحاد مردم در این کشور دارد انجام می‌گیرد. به توفیق پروردگار، امنیت کامل برقرار است. دستگاه‌ها با همدیگر همکاری داشته باشند. اگر همکاری نکنند، کارها خیلی بهتر هم خواهد شد. دشمن این را نمی‌خواهد.	ایجاد بحران در کشورهای دیگر از ماهیت نظام سلطه ناشی می‌شود.  امنیت و آرامش در کشورهای هدف مخالف اهداف نظام سلطه است.
۳۴	دنیای سیاست جهانی، دنیای بی‌تقوایی است.	سیاست جهانی بر عدم رعایت تقوا پایه‌ریزی شده است.  عدم رعایت مبانی الهی و انسانی جزو ماهیت سیاست‌های جهانی نظام سلطه است.
۳۷	در سوریه، سیاست استکبار این است که به هر قیمتی هست، دولتی را که شناخته شده است به مقاومت در مقابل صهیونیسم، سرنگون کنند؛ سیاست ما ضد این است. ما البته در مورد عراق، در مورد سوریه، در مورد یمن، در مورد بحرین، در مورد لبنان، در مورد همه‌ی کشورها معتقدیم تصمیم‌گیر، خود ملت‌های آن کشورهايند؛ از بیرون، نه ما و نه غیر ما حق نداریم تصمیم بگیریم نسبت به سرنوشت ملت‌ها؛ خودشان باید تصمیم بگیرند. این اعتقاد ما است. سیاست استکبار در قبال سوریه	مداخله نظام سلطه در امور دولت‌های ضعیف  به‌کارگیری نیروهای وابسته و همراه با سیاست‌های نظام سلطه در کشورهای ثالث  عدم اهتمام به انتخاب مشروع ملت‌ها و توجه صرف به اولویت‌های استعماری  نظام سلطه برای ملت‌ها حق انتخاب قائل نیست.

ردیف	متن	مضامین پایه
	این است که بنشینند، بیرون از اراده‌ی ملت، این دولتی را و این ملتی را که شناخته‌شده است که در مقابله‌ی با صهیونیست‌ها قرص و محکم ایستاده - که هم رئیس‌جمهور فعلی، هم رئیس‌جمهور قبلی، صریحاً در مقابل رژیم جعلی صهیونیستی ایستاده بودند- بگویند این دولت نباشد.	دولت مشروع دولتی است که بر اساس منویات نظام سلطه شکل بگیرد.
۴۰	«استکبار یعنی گردن‌کلفتی، یعنی قلدری، یعنی آدم کشتن و شرم نکردن و حیاء نکردن، یعنی تجاوز توأم با وقاحت و سر را بالا گرفتن و سینه را سپر کردن؛ این یعنی استکبار. نظام امروز دنیا، نظامی که امروز قدرت‌های مقتدر عالم دارند، نظام استکباری است.»	استکبار یعنی قدرت‌طلبی و توسل بر زور و قدرت نظام حاکم بر جهان فعلی نظام استکباری است. درون‌مایه‌ی نظام سلطه، مبتنی بر زور است.
۴۴	سالیان دراز، به شیوه‌های گوناگون، به ملت‌های مشرق زمین تفهیم کردند که «شما از جهات مختلف، انسان‌های درجه‌ی دو هستید.» اصولاً فلسفه‌ی استعمار همین بود. یکی از ترفندهای استعمارگران - که خیلی هم تأسف انگیز است - این بوده است که تا می‌توانسته‌اند، در کشورهای آسیا (در همین چینی که در این المپیادها، در سه دوره اول شده است؛ در همین ایران ما و در جاهای دیگر)، تلقین بد کرده‌اند و به‌زور می‌خواسته‌اند به مردم مشرق زمین بقبولانند که انسان‌های درجه‌ی دو و ضعیفی هستند و قدرت اداره و تفکر ندارند. به‌عکس، القا می‌کرده‌اند که علم مال آن‌هاست؛ پیشرفت مال آن‌هاست و اصلاً حق همه‌چیز، برای آن‌هاست. آن‌ها به‌زور تحمیل می‌کردند که «این ما هستیم که به شما چیزی می‌دهیم و یا چیزی می‌ستانیم.» آن‌ها به‌زعم خودشان، تمدن و پیشرفت	نگاه متکبرانه نسبت به دولت‌ها و ملت‌های دیگر نگاه ابزاری و استثماری به ملت‌های دیگر تلقین تفکر انسان دسته دومی به کشورهای ضعیف و تحت سلطه تلقین ناتوانی ذاتی کشورهای ثالث در دسترسی به عوامل رشد و پیشرفت تمدن و توسعه صرفاً منحصر در نظام سلطه است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	می‌دادند؛ و مزد این را استثمار ملت‌ها و گرفتن ثروت و آزادی و زندگی آن‌ها می‌دانستند.	
۴۸	این [جامعه امریکا]، آن جامعه‌ای است که مادیت دارد؛ اما معنویت ندارد. اسلام نمی‌خواهد این‌طور جامعه‌ای درست کند. اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد.	نظام سلطه فارغ از معنویت است.  نظام سلطه صرفاً محصور در مادیت است.
۵۱	آن‌ها (ابرقدرت‌ها) تظاهر به اقتدار می‌کنند، برای این‌که با ابهت و چهره‌ی اخم‌آلود خودشان ملت‌ها را بترسانند؛ اما این‌طور نیست که آن‌ها واقعاً قدرتی داشته باشند.	تظاهر به اقتدار  ایجاد رعب و وحشت و ترس
۵۴	امروز بعضی از کشورهای اروپایی کارهایی می‌کنند که اگر آن‌ها را در مقابل یک آدم عاقل متعارف بگذارید، جز خنده‌ی تمسخرآمیز کاری نمی‌کند. می‌گوییم: چرا می‌کنید؟ می‌گویند: این سنت ماست! به سنت‌های خودشان پایبندند؛ سنت‌های کهنه‌ی پوسیده. آن وقت اگر ملت‌های دیگر به سنت‌های خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آن‌ها را طعن و تمسخر می‌کنند که چرا.	پایبندی به سنت‌های از پیش تعریف‌شده  رعایت خطوط قرمز سنت‌ها
۶۴	طواغیت عالم می‌جنگند برای هوای نفس، برای قدرت‌طلبی‌های خودشان، برای اشاعه‌ی فساد. الآن سال‌ها است صهیونیست‌ها دارند می‌جنگند اما برای مقاصد خبیث می‌جنگند.	نظام سلطه دنباله‌روی هوای نفس  جنگ‌ها و ضدیت‌ها در نظام هستی  برای قدرت‌طلبی و ارضای هوای نفس است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۷۱	استکبار جهانی و آمریکا با یک‌یک عمامه به سرها و طلبه‌ها و روحانیون دشمن‌اند؛ چرا؟ چون بنای کار آن‌ها بر ظلمات، بر چشم‌بندی و بر کتمان حقیقت و پرده روی کار کشیدن است.	عدم اهتمام به حقیقت و پرده‌پوشی و کتمان آن
۸۰	غربی‌ها، اروپایی‌ها، به خاطر علمی که زودتر از دیگران به آن دست پیدا کردند و خودشان را بالا کشیدند، یک چنین نگاهی به ملت‌های دیگر پیدا کردند، از جمله به ملت ما؛ ملت‌هایی با این فرهنگ‌های عریق و عمیق و سابقه‌های درخشان را آن‌چنان تحقیر کردند که آن‌ها را در ذیل خودشان تعریف کردند. ملت‌های غربی مثل آن انسانی که از فقر به غنا می‌رسد و بعد خودش را گم می‌کند، به یک غنائی رسیدند - این غنا غنای مالی نبود، غنای علمی بود؛ بالاخره علم دست‌به‌دست می‌چرخد؛ اتفاقی افتاد، این‌ها به دانش دست پیدا کردند؛ این دانش را همین‌طور مدام پرورش دادند و طبقه طبقه روی هم چیدند، بالا رفتند - به مجرد اینکه بالا رفتند، به همه‌ی بشریت حتی به آن‌هایی که دانش را از آن‌ها اوّل گرفته بودند، با چشم تحقیر نگاه کردند.	تحقیر و کوچک‌پنداری دیگر ملت‌ها  تعریف ملت‌ها و فرهنگ آن‌ها در ذیل فرهنگ استعماری
۸۴	استکبار درصدد آن است که کلیشه‌های موردنظر خودش را به همه‌ی مردم دنیا تحمیل کند؛ هم به آحاد ملت‌ها، هم بالخصوص به مسئولان و مؤثران کشورها؛ یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس،	تحمیل مبانی فکری بر ملت‌های دیگر  تحمیل جهان‌بینی نظام سلطه بر ملت‌ها و دولت‌ها

ردیف	متن	مضامین پایه
	تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، به قول خودشان اتاق‌های فکر، به همه‌ی این‌ها می‌خواهند آن کلیشه‌های خودشان را تحمیل کنند و آن را وارد ذهن آن‌ها و فضای ذهنی آن‌ها بکنند. مایل‌اند همه، جهان را از منظر آن‌ها ببینند؛ مفاهیمی را که آن‌ها بر روی آن تکیه می‌کنند، با همان رویکرد آن‌ها، با همان نگاه آن‌ها تشخیص بدهند و بشناسند. این رویکرد سلطه‌طلبانه است؛ با این رویکرد سلطه‌طلبانه مفاهیمی را یا جعل می‌کنند یا دست‌کاری می‌کنند و معنا می‌کنند و مایل‌اند همه، طبق معنای آن‌ها این مفاهیم را بفهمند و به کار بگیرند و در ادبیاتشان از آن‌ها استفاده کنند.	تحمیل تفکر برتری نظام سلطه بر عالم هستی
۸۹	قدرت‌های مستکبر همچون آمریکا، سعادت جامعه و آنچه را که «ارزش‌های آمریکایی» می‌خوانند، در جمع‌آوری ثروت و تسلط بر عالم دنبال می‌کنند اما اسلام، سعادت بشر را در رسیدن به کمالات انسانی و جریان داشتن فکر و عمل قرآنی در تمام اجزای جامعه می‌داند.	نظام سلطه سعادت را در گروه ثروت و مصرف‌گرایی تعریف کرده است. سلطه بر عالم سعادت نهایی نظام سلطه تعبیر شده است.
۹۱	آمریکائی‌ها، هم غیرقابل‌اعتمادند، هم غیرمنطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند.	نظام سلطه بهره‌ای از صداقت ندارد. قابل‌اعتماد نیست.
۹۲	خب امروز زندگی در تمدن غربی بر پایه‌ی طمع و حرص است، بر پایه‌ی آزمندی است. اصلاً اساس زندگی در تمدن غربی، حرص و طمع است. امروز پایه‌ی همه‌ی ارزش‌های غربی پول است، همه‌چیز با پول سنجیده می‌شود؛ اخلاقیات، معنویات، همه‌چیز با پول سنجیده می‌شود؛ معیارها این است. سیاست رایج، حکمرانی‌ها، همه در خدمت تبعیض است، در خدمت فربه‌شدن کمپانی‌ها و کارتل‌ها	بنیان نظام سلطه بر حرص و طمع بناشده است. اساس زندگی در نظام سلطه بر اساس مادی‌گرایی و تلذذ است. معیار در نظام سلطه، میزان دسترسی به پول و ثروت است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	است.	
۹۴	امروز یکی از تراژدی‌ترین آثار هنری، اثری است به نام «کلبه عموتام» که زندگی برده‌داری را در امریکا نشان می‌دهد که شاید قریب دویست سال است که این نوشته هنوز زنده است. واقعیت‌های امریکا این است؛ حکومت امریکا این است؛ آن مشخصه و ممیزه‌ای که نظام آمریکایی به دنیا نشان داده، این است؛ نه آزادی انسان، نه برابری انسان. کدام برابری؟! شما هنوز هم بین سیاه‌وسفید برابری قائل نیستید. همین امروز هم از نظر شما رگه سرخ‌پوستی در یک نفر آدم در هر یک از مراحل‌گزینش اداری یک نقطه‌ضعف برای او محسوب می‌شود. برابری انسان‌ها؟! آزادی فکر؟!	نظام سلطه نظامی مبتنی بر برده‌داری است.  برابری و آزادی محلی از اعراب ندارد.
۹۹	آفت بزرگ دنیای قدرتمند امروز این است که آنجایی که قدرت هست، ایمان نیست.	فاقد ایمان است. نظام سلطه ضد مبانی ایمانی است.
۱۰۳	ارزش‌های انسانی در امریکا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر.	نادیده‌انگاری و لگدمال کردن ارزش‌های الهی انسانی تبعیض و نادیده‌گرفتن حقوق انسان‌ها

بنا بر هندسه معرفتی آیت‌الله خامنه‌ای، نظام سلطه و الگوی مقاومت اسلامی بر اساس صفت‌بندی جریان حق و باطل قابل بررسی است. نظام فکری سلطه با توجه به مؤلفه‌ها و مبانی شکل گرفته در درون‌مایه آن بر اساس نفسانیت انسانی شکل گرفته که مبانی الهی در آن جایگاهی ندارد، لکن الگوی مقاومت اسلامی با توجه به ماهیت توحیدی و جهان‌بینی اسلامی در جرگه حق قابل تفسیر و بررسی است. در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای تقابل نظام سلطه و الگوی مقاومت اسلامی تقابل تمدنی است و نگاه سطحی و کوتاه‌مدت در

آن محلی از اعراب ندارد. نظام سلطه با توجه به ماهیت و مبانی خود، دنیا را بر اساس دو محور سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تعریف کرده است و شکل‌گیری مقوله‌ی جدیدی چون سلطه‌ستیز در قاموس معرفتی آن جایگاهی ندارد. لذا شکل‌گیری الگویی چون مقاومت اسلامی برخلاف رویه نظام سلطه است. با توجه به ماهیت نظام سلطه، مضامین پایه و اولیه از دل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای کشف و استخراج شد تا زمینه برای فهم و استخراج مضامین سازمان دهنده به وجود آید.

## ۲. تبدیل مضامین اولیه به مضامین سازمان دهنده

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شدند، به مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف شبکه مضامین فراهم شود.

جدول ۲: تبدیل مضامین پایه به مضامین سازمان دهنده

مضامین فراگیر	مضامین پایه	ردیف
ابتدال اخلاقی	شدت ابتدال اخلاقی در تمدن غربی	۱
	گسترده‌گی فساد اخلاقی در دوران معاصر	۲
	سازمان‌دهی و تشکیلاتی کردن فساد اخلاقی	۳
	تأسیس مبانی ساختگی برای مفاصد اخلاقی و ارائه برای ملت‌ها	۴
	ایجاد و ساختارمند کردن فساد از مؤلفه‌های نظام سلطه است.	۵
اتکا به پایه‌های مادی	تفاوت ریشه‌ای الگوی اقتدار در نظام اسلامی و غیر اسلامی	۶
	نظام‌های مادی بر پایه‌ی قدرت صرفاً مادی تکیه دارد.	۷
	پول و سلاح و تبلیغات تنها اتکای نظام‌های مادی	۸
	مادی‌گرایی صرف تنها اتکای نظام‌های غیر اسلامی است.	۹
ارزش‌های ضد انسانی	در نظام غربی ارزش‌های اخلاقی سقوط کرده است.	۱۰
	ارزش‌های غربی قابل تقلید نیست.	۱۱
	مبانی اخلاقی غرب ریشه در رذایل اخلاقی دارد.	۱۲
اختلاف و تفرقه	ایجاد تفرقه و اختلاف در ذات نظام‌های سلطه ریشه دارد.	۱۳
	ادعای حقوق بشر نظام سلطه واهی و غیرواقعی است	۱۴

ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
۱۵	دولت‌های حامی حقوق بشر خود تروریسم هستند.	ادعاهای واهی
۱۶	آزادی بیان و تفکر غیرحقیقی است.	
۱۷	نیل به اهداف با توهم آزادی بیان و تفکر	
۱۸	عدم تناسب ظاهر و باطن اهداف نظام‌های سلطه	استثمار
۱۹	استفاده ابزاری از جنسیت زن	
۲۰	اهداف به‌ظاهر پسندیده با باطن استثمار	
۲۱	هویت و منابع قدرت‌های ضعیف در زیر چکمه‌های نظام‌های سلطه	افزون‌طلبی
۲۲	سیاست‌های پیچیده و غیرانسانی نظام سلطه	
۲۳	زیاده‌خواهی نظام سلطه در مقابل نظام‌های ضعیف	
۲۴	حمایت نظام سلطه از ناقض‌ترین رفتارهای ضد بشری	ضد حقوق بشر
۲۵	پوشش حقوق بشر برای نیل به اهداف استعماری و استثمار	
۲۶	حمایت از حامیان و طرفداران با زیر پا گذاشتن مقوله حقوق بشر	
۲۷	نادیده‌انگاری حقوق ملت‌ها از مؤلفه‌های نظام سلطه است.	ایجاد وابستگی
۲۸	حق مداخله قائل شدن نظام سلطه برای استثمار منابع نظام‌های ضعیف و تابع	
۲۹	دست‌اندازی و سوءاستفاده از منابع کشورهای ضعیف	
۳۰	آزادی نام‌گرفته در نظام سلطه، آزادی حقیقی نیست.	آزادی دروغین
۳۱	جهت‌گیری فرهنگی غرب متضاد با مفهوم آزادی است.	
۳۲	نظام سلطه متعهد و مقید بر قراردادهای نیست.	بدعهد بودن
۳۳	منافع نظام سلطه مقدم بر تمام عقود است.	
۳۴	بدعهدی و نقض قراردادهای جزو ماهیت ذاتی نظام سلطه است.	
۳۵	نظام سلطه بر پایه‌ی استعمار و خشونت و شرارت پایه‌ریزی شده است.	بر پایه‌ی شرارت

ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
۳۶	ماحصل تمدن غربی، خشونت و عدول از ماهیت انسانی است.	
۳۷	شعارهای حقوق بشر و گوش نواز دیگر صرفاً پوششی برای شرارت‌هاست.	
۳۸	نظام سلطه به دلیل ماهیت زیاده‌خواهانه، مخالف عدالت اجتماعی است.	بی‌عدالتی
۳۹	بی‌عدالتی در ماهیت نظام سلطه ریشه دارد.	
۴۰	بزرگ‌ترین عامل ناامنی در دنیا نظام سلطه است.	ناامن کردن دنیا
۴۱	تأمین منافع نظام سلطه با ایجاد ناامنی در نظام بین‌الملل	
۴۲	دخالت در امور دولت‌های دیگر و ایجاد بسترهای ناامنی	
۴۳	تخریب و ویرانی در وجود نظام سلطه نهادینه شده است.	ویرانی و تخریب
۴۴	فقدان دلسوزی و محبت و اهمیت جان انسان‌ها برای نظام سلطه	
۴۵	ایجاد بحران در کشورهای دیگر از ماهیت نظام سلطه ناشی می‌شود.	بحران‌آفرینی
۴۶	امنیت و آرامش در کشورهای هدف مخالف اهداف نظام سلطه است.	
۴۷	سیاست جهانی بر عدم رعایت تقوا پایهریزی شده است.	بی‌تقوایی
۴۸	عدم رعایت مبانی الهی و انسانی جزو ماهیت سیاست‌های جهانی نظام سلطه است.	
۴۹	مداخله نظام سلطه در امور دولت‌های ضعیف	تحمیل اراده به ملت‌ها
۵۰	به‌کارگیری نیروهای وابسته و همراه با سیاست‌های نظام سلطه در کشورهای ثالث	
۵۱	عدم اهتمام به انتخاب مشروع ملت‌ها و توجه صرف به اولویت‌های استعماری	
۵۲	نظام سلطه برای ملت‌ها حق انتخاب قائل نیست.	
۵۳	دولت مشروع دولتی است که بر اساس منویات نظام سلطه	

ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
	شکل بگیرد.	
۵۴	استکبار یعنی قدرت‌طلبی و توسل بر زور و قدرت	توسل بر زور
۵۵	نظام حاکم بر جهان فعلی نظام استکباری است.	
۵۶	درون‌مایه‌ی نظام سلطه، مبتنی بر زور است.	
۵۷	نگاه متکبرانه نسبت به دولت‌ها و ملت‌های دیگر	نگاه متکبرانه
۵۸	نگاه ایزاری و استثمار‌ی به ملت‌های دیگر	
۵۹	تلقین تفکر انسان دسته‌دومی به کشورهای ضعیف و تحت سلطه	
۶۰	تلقین ناتوانی ذاتی کشورهای ثالث در دسترسی به عوامل رشد و پیشرفت	
۶۱	تمدن و توسعه صرفاً منحصر در نظام سلطه است.	
۶۲	نظام سلطه فارغ از معنویت است.	فاقد معنویت
۶۳	نظام سلطه صرفاً محصور در مادیت است.	
۶۴	تظاهر به اقتدار	ایجاد ترس
۶۵	ایجاد رعب و وحشت و ترس	
۶۶	پایبندی به سنت‌های از پیش تعریف‌شده	پایبندی به سنت‌های پوسیده
۶۷	رعایت خطوط قرمز سنت‌ها	
۶۸	نظام سلطه دنباله‌روی هوای نفس	پیروی از هوای نفس
۶۹	جنگ‌ها و ضدیت‌ها در نظام هستی برای قدرت‌طلبی و ارضای هوای نفس است.	
۷۰	عدم اهتمام به حقیقت و پرده‌پوشی و کتمان آن	حقیقت‌زدایی
۷۱	تحقیر و کوچک‌پنداری دیگر ملت‌ها	خودخواهی و تحقیر ملت‌ها
۷۲	تعریف ملت‌ها و فرهنگ آن‌ها در ذیل فرهنگ استعماری	
۷۳	تحمیل مبانی فکری بر ملت‌های دیگر	سلطه فکری
۷۴	تحمیل جهان‌بینی نظام سلطه بر ملت‌ها و دولت‌ها	
۷۵	تحمیل تفکر برتری نظام سلطه بر عالم هستی	
۷۶	نظام سلطه سعادت را در گروه ثروت و مصرف‌گرایی	سعادت در گرو ثروت

ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
	تعریف کرده است.	
۷۷	سلطه بر عالم سعادت نهایی نظام سلطه تعبیر شده است.	
۷۸	نظام سلطه بهره‌ای از صداقت ندارد.	عدم صداقت
۷۹	قابل اعتماد نیست.	
۸۰	بنیان نظام سلطه بر حرص و طمع بنا شده است.	
۸۱	اساس زندگی در نظام سلطه بر اساس مادی‌گرایی و تلذذ است.	طمع و حرص
۸۲	معیار در نظام سلطه، میزان دسترسی به پول و ثروت است.	
۸۳	نظام سلطه نظامی مبتنی بر برده‌داری است.	فقدان برابری
۸۴	برابری و آزادی محلی از اعراب ندارد.	
۸۵	فاقد ایمان است.	قدرت فاقد ایمان
۸۶	نظام سلطه ضد مبانی ایمانی است.	
۸۷	نادیده‌انگاری و لگدمال کردن ارزش‌های الهی انسانی	نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی
۸۸	تبعیض و نادیده گرفتن حقوق انسان‌ها	

نظام سلطه به دلیل روحیه‌ی استکباری، دیگرانی را در نهاد قدرت سهم نمی‌داند و به دنبال برتری مطلق در ساحات مختلف حیات عالم هستی است؛ بنابراین شاکله‌ی ذهنی ایجاد شده، دیگران به‌عنوان کارگران ذهنی و عملیاتی نظام سلطه تعریف می‌شوند که ضرورتاً باید در راستای مبانی تعریف‌شده نظام سلطه در میدان فکر و عمل کنند. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نظام سلطه نظام خودبرتربینی است که مقدرات عالم را بر اساس مبانی شکل‌گرفته در تفکر خود ترسیم کرده است و ملت‌های جهان را به‌نوعی بازیگران پازل ساخته خود می‌داند و هرگونه تخطی از این نقشه‌ی بازی مجازات را در پی خواهد داشت.

### ۳. تبدیل مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شدند، به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند تا بستر ترسیم شبکه مضامین فراهم شود.

جدول ۳: تبدیل مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر

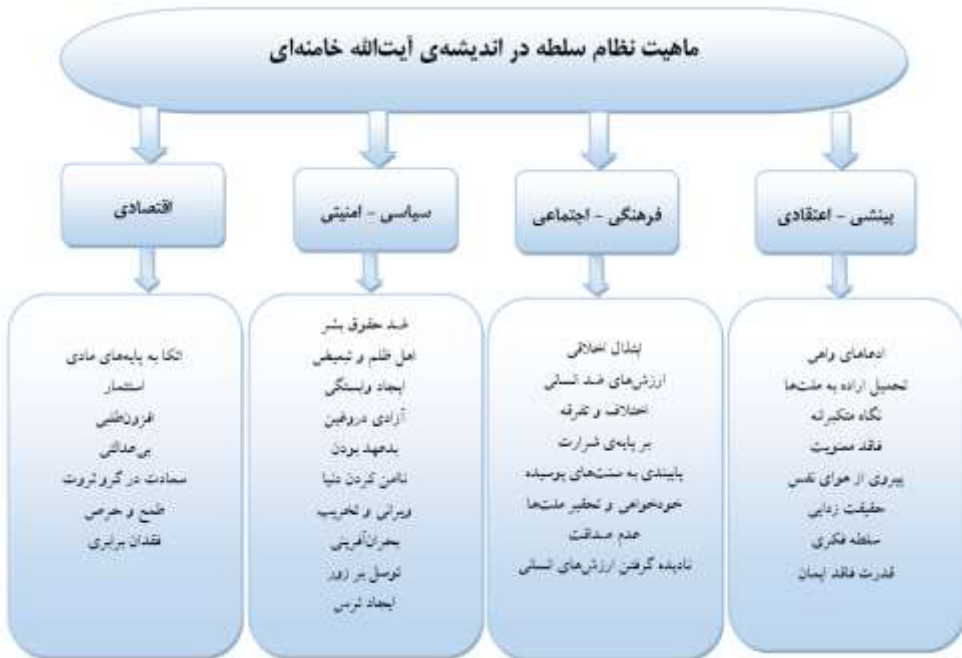
مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	ردیف
پیشی - اعتقادی	ادعاهای واهی تحمیل اراده به ملت‌ها نگاه متکبرانه فاقد معنویت پیروی از هوای نفس حقیقت زدایی سلطه فکری قدرت فاقد ایمان	۱
فرهنگی - اجتماعی	ابتدال اخلاقی ارزش‌های ضد انسانی اختلاف و تفرقه بر پایه‌ی شرارت پایبندی به سنت‌های پوسیده خودخواهی و تحقیر ملت‌ها عدم صداقت نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی	۲

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	ردیف
سیاسی - امنیتی	ضد حقوق بشر اهل ظلم و تبعیض ایجاد وابستگی آزادی دروغین بدعهد بودن ناامن کردن دنیا ویرانی و تخریب بحران آفرینی توسل بر زور ایجاد ترس	۳
اقتصادی	اتکا به پایه‌های مادی استثمار افزون‌طلبی بی‌عدالتی سعادت در گرو ثروت طمع و حرص فقدان برابری	۴

نظام سلطه به‌منظور تسخیر منابع و منافع دیگر ملت‌ها، تشکیلاتی را برای خود تعریف کرده است که تخطی از این سازمان‌دهی، موجودیت نظام سلطه را خدشه‌دار خواهد کرد. مؤلفه‌هایی چون بی‌عدالتی، فقدان حقوق بشر، حذف یا ذوب کردن هویت فرهنگی و ملی دیگر کشورها در هویت نظام سلطه، اجتناب از معنویت و امثال آن از جمله مقوله‌هایی است که بنا بر نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای در دل نظام سلطه ریشه دوانده و ماهیت آن را شکل داده است که هر نوع تخطی از آن ماهیت ذاتی نظام سلطه را دچار بحران قرار خواهد داد.

### ۳. کشف و ترسیم شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین ماهیت نظام سلطه در هندسه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، کدهای مستخرج از متون ایشان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.



شکل ۱: مدل محقق ساخته پیرامون ماهیت نظام سلطه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شکل‌دهنده‌ی ماهیت نظام سلطه از مبانی فکری نظام سلطه و نوع نگاه به عالم هستی و معرفت به آن و نوع انسان‌شناسی و توجه به جایگاه انسان و غایت‌شناسی آن نشئت می‌گیرد. جهان‌بینی نهفته در تفکر نظام سلطه ظهور تمدن غربی را شکل داده است که این نوع جهان‌بینی را در تقابل با جهان‌بینی الهی و توحیدمحور یعنی الگوی مقاومت اسلامی قرار داده است. در این مقاله تلاش شد مؤلفه‌های شکل‌دهنده ماهیت نظام سلطه با استفاده از روش تحلیل مضمون و بهره‌گیری از الگوی چهاروجهی به تصویر کشیده شود که می‌تواند بایی برای انجام پژوهش‌های دیگر پیرامون نظام سلطه و الگوی مقاومت اسلامی باشد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

## نتیجه‌گیری

تقابل نظام سلطه و الگوی مقاومت اسلامی تقابل سطحی یا صرفاً برای رسیدن به اهداف جزئی نیست بلکه تقابل بین دو جریان حق و باطل است که در هرکدام از طرفین نگاه تمدنی نهفته است و به دنبال برتری تمدنی هستند. متناسب با نوع تمدن که درون‌مایه‌ی آن شکل گرفته از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی است جبهه‌بندی‌ها شکل می‌گیرد. در این پژوهش تمدن غربی مورد توجه قرار گرفت که نوع برخورد و توجه به عالم هستی و معرفت به هستی و غایت برخورد با طبیعت باعث شکل‌گیری مؤلفه‌های آن شده است و بنا بر آنچه در متن اصلی مورد توجه و بررسی قرار گرفت، نظام سلطه به لحاظ ماهیتی مبتنی بر خودبرتری است و بر این اصل نظام بین‌الملل را به دو مقوله‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم‌بندی کرده است و از قبل این تقسیم‌بندی دارای‌ها و منابع کشورهای سلطه‌پذیر را جزو دارای‌ها و در راستای منافع خود تعریف می‌کند که در این صورت پدیده‌ی استثمار و تاراج منابع کشورهای مستضعف مطرح می‌شود. نوع رفتار نظام سلطه برخاسته از مبانی فکری و تئوری تعریف شده است و مبانی فکری تعریف شده در نظام سلطه بر تک‌قطبی بودن و همراهی کشورهای تحت سلطه با منافع نظام سلطه است. تناقض ملت‌ها و دولت‌ها با نظام سلطه با مقوله‌ی جدیدی تحت عنوان جبهه‌ی سلطه‌ستیز معنایابی می‌شود که در این پژوهش مدنظر نویسنده نبوده است.

در این پژوهش، پژوهشگر تلاش کرد تا ماهیت و مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی نظام سلطه را بنا بر هندسه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای کشف، استخراج و تحلیل کند. به‌منظور منسجم‌سازی متن از روش تحلیل مضمون استفاده شد و مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر متناسب با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شد. به‌منظور ساختارمند کردن مقاله، نویسنده از الگوی چهاروجهی محقق ساخته به‌صورت بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی بهره برده است. در الگوی بینشی اعتقادی مؤلفه‌هایی چون ادعاهای واهی، تحمیل اراده به ملت‌ها، نگاه متکبرانه، فاقد معنویت و امثال آن

استخراج گردید. بر اساس الگوی فرهنگی اجتماعی، مؤلفه‌هایی چون ابتذال اخلاقی، ارزش‌های ضد انسانی، اختلاف و تفرقه، بر پایه‌ی شرارت مورد توجه قرار گرفت. در الگوی سیاسی-امنیتی محورهای چون ضد حقوق بشر، اهل ظلم و تبعیض، ایجاد وابستگی، آزادی دروغین و کاذب، بدعهد بودن و امثال آن از نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شد و در انتها به لحاظ رویکرد اقتصادی نیز به مؤلفه‌هایی چون اتکا به پایه‌های مادی، استثمار، افزون‌طلبی، بی‌عدالتی و امثال آن توجه شد.

### پیشنهادها

- برگزاری نشست‌های تخصصی پیرامون ماهیت و مؤلفه‌های نظام سلطه و تبدیل خروجی نشست‌ها به صورت کلیپ‌های کوتاه و یا فیلم‌های مستند برای آگاهی‌بخشی به مردم برای جلوگیری از بدفهمی پیرامون نظام سلطه
- بررسی شخصیت‌های تراز اول نظام سلطه تحت عنوان زندگی‌نامه‌ها برای شفاف‌سازی وضعیت حکمرانی نظام سلطه
- تعریف عناوین مختلف پژوهشی پیرامون ماهیت و اصول نظام سلطه با مستندسازی آثار به خاطرات و روایت‌ها
- ارائه تصویر شفاف و مستند به روایت‌ها پیرامون وضعیت نظام سلطه
- سوق دادن اساتید علوم سیاسی به سمت پژوهش پیرامون مختصات فکری و رفتاری نظام سلطه
- توجه و اهتمام ویژه به اسناد پیرامون ماهیت نظام سلطه

## فهرست منابع:

- اسدی، حیدر، رجیبی، هادی (۱۳۹۶)، نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، ۸۷-۱۰۴.
- انصاری، علیرضا (۱۴۰۰)، شاخصه‌های استکبارستیزی از منظر امامین انقلاب، نشریه‌ی ره‌توشه، شماره ۱۳۴، ۲۹-۳۹.
- باهوش فاردقی، مهدی (۱۴۰۲)، دولت جمهوری اسلامی ایران (استکبارستیز، مبارزه با سلطه، حامی مستضعفین)، فصلنامه دولت پژوهی ایران معاصر، سال نهم، ۱۱۵-۱۴۲.
- بخت‌آزمای بناب، محمد و منتظرخراسان، حجت (۱۳۹۶)، «بررسی روش تحلیل مضمون در تحقیقات با رویکرد کیفی»، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۶)، راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۰، ۱۴۱-۱۶۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، پاییز، شماره ۱۷، ۷۲-۵۳.
- شفیعی فر، محمدرضا، رحمتی، رضا (۱۳۸۹)، سیاست تعاملی ضد نظام سلطه، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۱-۴۴.
- عالمی، خلیل (۱۴۰۱)، نقش استعمار و استکبار جهانی در جنگ‌های معاصر در کشورهای اسلامی و راهکارهای مقابله با آن، نشریه اندیشه تقریب، شماره ۴۳، ۳۹-۶۵.
- عباسی، مجید (۱۴۰۲)، تعارض‌های عملی نظام سلطه با شعارهای غربی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، فصلنامه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۷۵-۱۱۱.
- کرمانی نسب، محمدعلی (۱۳۹۸)، دکترین پایان تاریخ در اندیشه نظام سلطه و مکتب اسلام ناب، ماهنامه معرفت، سال ۲۸، شماره ۶، ۴۵-۵۶.

- کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، تابستان، شماره ۲، ۱۸۹-۲۰۸

- محمدی، سعید، نجات‌پور، مجید، نوروزی، مجتبی (۱۴۰۲)، دهه پنجم انقلاب اسلامی و تصویر آینده جبهه مقاومت، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۲، ش ۲، ۷-۲۸.

- محمودی رجا، سید زکریا، باقری دولت‌آبادی، علی، راوش، بهنام (۱۳۹۷)، بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۷، ش ۱۴، ۷-۲۸.